

ادامه از صفحه اول

گذر از تنگنا و بازگشت به سیاست

آیا به تجربه تاریخی دموکراسی در جهان باور داشته‌ام که یک جناح با حذف رقیب به‌تنهایی نمی‌تواند از پس پاسداشت دموکراسی و ارزش‌های بنیادین در جامعه برآید؟ یا تا چه حد به استمرار بازی رقابت سیاسی به‌عنوان شرط لازم تداوم دموکراسی اهمیت داده‌ام؟ مگر نه اینکه اگر رقیبی در میدان نماند، در واقع بازی برگزار نمی‌شود و دموکراسی در جامعه به دشواری قابل مشاهده خواهد بود؟

امروز در جهانی که در آن اندیشمندان سیاسی بیم از پس‌روی دموکراسی در دنیا را دارند و مرگ دموکراسی‌ها را تصویری از آینده می‌دانند، رجوع به آرای صاحب‌نظران و اندیش‌ورزان بیش از هر زمان دیگری حیاتی و ضروری است. فصل مشترک اغلب این نظریات در یک اصل خلاصه می‌شود: شکل‌گیری هنجارهای مستحکم دموکراتیکی که می‌توانند به‌عنوان حفاظ‌های دموکراسی عمل کنند.

این هنجارها که در واقع همان قواعد نانوشته بازی و رقابت سیاسی میان جناح‌های مختلف است، تضمین‌کنندگان حفظ دموکراسی در جامعه‌اند و رقابت‌های سیاسی را از مبدل‌شدن به نزاع‌های ویرانگر جناحی بازمی‌دارند. بر اساس تجارب تاریخی و باور بسیاری از صاحب‌نظران دو هنجار تسامح متقابل و خوششمن‌داری عرفی از اصلی‌ترین و بنیادین‌ترین ارزش‌های حافظ دموکراسی به‌شمار می‌روند. تسامح متقابل به این معنا که مادامی‌که رقابتی ما بر اساس مقررات مبتنی بر قانون اساسی عمل می‌کند، حق موجودیت دارند و می‌توانند برای کسب قدرت با ما رقابت کنند. مشروعیت ربقا یعنی آنها هم مثل ما شهروندانی محترم، میهن‌پرست و مطیع قانون‌اند و درست مثل ما کشورشان و آیینشان را دوست دارند و به قانون اساسی و ارزش‌های بنیادین انقلاب اسلامی احترام می‌گذارند. حتی اگر ما در نحوه اداره کشور باهم اختلاف‌نظرهای بنیادین داشته باشیم، بازهم آنها تهدید نیستند. آنها را خائن یا مرتجع و قانون‌ستیز نمی‌دانیم. آنها فقط رقابتی سیاسی ما هستند که در فضای مدیریت سیاسی کشور با ما به رقابت می‌پردازند. نقطه مقابل خوششمن‌داری عرفی به تعبیر «مارک توشنت» لجابت قانونی است. یعنی مبارزه‌ای عرفی برای شکست دائمی رقیب. لجابت قانونی صورت‌مندی دارد:

مثلا اگر دولتمردان از استفاده از تمام ظرفیت‌های قانونی ممکن در جهت طرد مخالفان استفاده کنند و با استفاده از اتهامات قانونی مجلس را دور بزنند یا نهادهای نظارتی را تضعیف کنند، عملا به‌نوعی لجابت قانونی مبتلا شده‌اند. یا اگر مجلس در جهت زمین‌گیرکردن دولتی برآمده از جناح رقیب، به سنگ‌اندازی و کارشکنی در تصویب لوایح و بودجه دولت مبادرت ورزد، باز یک نهاد انتخابی برآمده از سدل حکمرانی دموکراتیک علیه دموکراسی عمل می‌کند و چرخه رویه وخامت سیاست را در لبه

پرتگاه قرار می‌دهد. مردم در پس دعواها و اختلاف‌ها و نزاع‌های بی‌پایان ما به‌چهره‌هایی ناشناخته و فاقد سوابق روشن سیاسی و عموما عوام‌فریب روی می‌آورند که یک بار تجربه تلخ تاریخی آن را همگی‌مان در مقام دوستداران و حافظان منافع ملی فارغ از سلیقه‌های سیاسی، از سر گذرانده‌ایم و می‌دانیم چگونه این چهره‌های نوظهور می‌توانند کشور را برای سال‌های طولانی به آشفتگی و ویرانی زیرساخت‌ها و انسداد شرایط بین‌المللی و بی‌ثباتی داخلی سوق دهند.جمع میهمانان رئیس‌جمهور تصور نسبتا قابل قبولی از حضور سلاطین مختلف سیاسی در حکومت‌داری ارائه می‌داد. کهنه‌کاران سیاسی که گرد هم آمده بودند و جملگی در یک نقطه باهم اتفاق‌نظر داشتند و آن نگرانی برای کشور بود. قطعا این ابهام و نگرانی از آینده مطلوب هیچ یک از میهمان‌دور میز نبود. هیچ‌کس از نومیدی و خودکدی جامعه خوشحال نبود و آن را نشانه پیروزی خود و شکست رقیب نمی‌شمرد. همه نگران ایران و به دنبال راه‌حل بودند. یکی برون‌رفت را در تحول اقتصادی می‌دانست و دیگری تحول را در گرو تحول سیاست خارجی. یکی خیر عمومی را در آزادی مردم در انتخاب سبک زندگی می‌دانست و دیگری امنیت را در گرو تغییر اولویت‌بندی مسائل اساسی کشور. اما هر چه بود، همه حاضران حفظ منافع ملی را اهم موضوعاتی می‌دانستند. اما آنچه جمع شاید هنوز بر سر آن توافق نداشت، به‌رسمیت‌شناختن اختلاف‌های انکارناپذیر جامعه در تعریف ارزش‌ها و اولویت‌هایش بود. به‌رسمیت‌شناختنی که اگر به وقوع بپیوندد،

آن‌گاه تمامی حضار درمی‌یابند که بقایشان در گرو دیگری است و بقای کشور در گرو انتلافی فرایگر میان همه باورمندان به حق مردم بر حاکمیت بر سرنوشتشان است؛ فارغ از اختلاف‌نظرهایی که در شیوه حکمرانی دارند. در روزگاری که جمهوری اسلامی مورد هجمه‌های ناجوانمردانه قدرت‌های جهانی قرار گرفته است و در جنگی همه‌جانبه با قدرت‌های تمام‌عیارخواه و مسلط جهانی به سر می‌برد، استمرار نظام مردم‌سالاری دینی در گرو پرهیز از نزاع میان رقابتی سیاسی است. دوری از جنگ نهادی و یازافرتنی اعتماد میان لایه‌های مختلف حاکمیت تنها آرایش ممکن در برابر جک تمام‌عیار دشمنان است. همکاری مشترک میان اصلاحت‌طلبان و اصولگرایان تنها راه برون‌رفت از نگرانی‌های موجود است و راهکار عبور از مشکلات فقط در رفع ستیز میان آنهاست که امروزه جایگزین رقابت میان دو جناح اصلی سیاسی شده است و این مهم قادر است فضای اعتماد عمومی را تقویت کرده و امید را روزافزون و همکاری و مشارکت جناح‌های سیاسی را بیشتر و مؤثرتر کند.

شکوفه حبیب‌زاده: بار دیگر، چابهار در غیاب معافیت‌های

نفتی، از تحریم‌های آمریکایی معاف شد تا ثابت کند آمریکا برای تأمین خواسته‌های خود، حاضر است هر نوع امتیاز ویژه‌ای را در اختیار متحد منطقه‌ای خود (افغانستان) قرار دهد، حتی اگر پای «ایران»ی وسط باشد که با آن سر‌نامازگاری نداشته است. در این میان، این پرسش مطرح است که چرا آمریکای معافیت چابهار را می‌پذیرد، اما حاضر به پذیرش معافیت‌های نفتی برای مشتریان ایران نیست؟ پاسخ به این پرسش به منافع آمریکا در منطقه برمی‌گردد؛ هرچند در این میان کماکان برخی از کشورها مانند ترکیه امید دارند بتوانند از آمریکا برای کسب معافیت‌های نفتی باز هم تلاش کنند. حالا در این میان خبر می‌رسد محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، پس از آنکه از هند به ایران بازگشت، بنا دارد رهسپار چابهار شود، اما هنوز هم مشخص نیست در چابهار آیا با مقامی دیدار خواهد کرد؟ یک روز پس از اعطای این معافیت، این گمانه را تقویت می‌کند که هر نوع دیدار شکل‌گرفته در چابهار، حول همین محور باشد.

معافیت دوباره چابهار از تحریم‌های آمریکایی

ماجرای این قرار است که الیس ولز، معاون وزیر خارجه آمریکا، در دیدار با صلاح‌الدین ربانی، سرپرست وزارت خارجه افغانستان، از موافقت واشنگتن با درخواست کابیل مبنی بر معافیت بندر چابهار از تحریم‌های آمریکا خبر داد و اعلام کرد این بندر برای افغانستان «اهمیت» دارد. صلاح‌الدین ربانی نیز در این دیدار از ادامه کمک‌های ایالات متحده به کابل قدردانی کرد. سرپرست وزارت خارجه افغانستان در ادامه با اشاره به روند مذاکرات صلح افغانستان، اجماع داخلی و منطقه‌ای را برای دست‌یافتن به صلح پایدار در این کشور با اهمیت خواند. از نظر دولت افغانستان این بندر می‌تواند راه را برای میلیون‌ها دلار تجارت افغانستان و پاپان وابستگی آن به بندر کراچی پاکستان باز کند. به گزارش تسنیم، صیبت‌الله احمدی، سخنگوی وزارت خارجه افغانستان، به رسانه‌ها گفت: اینکه تحریم‌ها شامل بندر چابهار ایران نشود، برای افغانستان مسئله‌ای مهم است. بندر چابهار مسیر بسیار خوبی برای واردات و صادرات کالا از افغانستان به هند و سایر کشورها محسوب می‌شود. احدی خاطرنشان کرد هند و افغانستان برای اینکه بندر چابهار از تحریم‌ها معاف شود پیش از این تلاش‌های بسیاری را انجام داده‌اند. پیش از این دادوستد افغانستان و هند از طریق بندر «واکه» پاکستان صورت می‌گرفت اما دولت پاکستان به‌دلیل تنش‌های سیاسی هر از گاهی این

بندر را به‌روی تجار افغان مسدود می‌کرد.

در میان این اخبار، واضح است آمریکا برای تداوم امنیت کشور که سال‌ها قبل، برچ‌های دوقلویش را به آتش کشیده بود، برای اعطای امتیاز به افغانستان رازینن‌ها کوتاه می‌آید. البته با کمی موشکافی، اهداف بلندمدت آمریکا نیز قابل شناسایی است. آمریکا از طریق افغانستان می‌تواند به آسیای مرکزی و در نهایت چین، نزدیک‌تر شده تا راحت‌تر بتواند این کشور را تحت کنترل خود درآورد. در این میان، رقابت هند و چین در چابهار و گوادر نیز دور از نظر نیست. وقتی این یازل بزرگ را در کنار یکدیگر قرار دهیم، روشن است هند و افغانستان با پشتوانه آمریکا، سرمایه‌گذاری بزرگی در چابهار را در سر می‌پروراند و چین (با همراهی عربستان) نیز با حمایت پاکستان، در صد تقویت گوادر برآمده است.رقابت در چند جبهه آمریکا و کشورهای همراهش در منطقه، هرچه باشد، موقعیت مهم و استراتژیکی را برای ایران رقم می‌زند. چابهار به‌ویژه از زاویه بندرگاهش، می‌تواند پایگاهی برای اتصال کشورهای همسایه به آب‌های آزاد و بهره‌گیری از مزیت‌های ترانزیتی باشد.

چابهارقطعه‌ای از موزیک اقتصادهندوافغانستان

مرتضی قورچی، استادیار جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دانشگاه شهید بهشتی، در گفت‌وگو با «شرق»، در تشریح موقعیت افغانستان در جغرافیای سیاسی و چرایی اهمیت بندر چابهار برای این کشور، می‌گوید: اگر در جغرافیای سیاسی، کشورها را در قالب یازل یا موزایک کنار هم ببینید، دو کشور عراق و افغانستان، به شکل

اقتصاد

چابهار باز هم با نقش کلیدی خود، از تحریم‌های آمریکا معاف شد

امتیاز ویژه آمریکا به افغانستان از دل ایران



بندر چابهار، بندر مهم افغانستان

پایه‌ای متحد ایالات متحده آمریکا در منطقه محسوب می‌شوند و آمریکا در آنها پایگاه دارد و آن کشورها را به نوعی زیر چتر کنترل خود اداره می‌کند. آن چیزی که مهم است، آن است که افغانستان بتواند به سیستم اقتصاد و تجارت آزاد دسترسی داشته باشد. قورچی در ادامه می‌افزاید: افغانستان با رقابت‌های ژئوپلیتیکی‌ای که با پاکستان در برخی از قلمروهای سرزمینی این کشور دارد، در نهایت از آن شبکه با بن‌بست مواجه شده است. بنابراین مسیر دیگری که برای افغانستان قابل تصور است، آسیای مرکزی است که هزینه‌های ترانزیت و اقتصاد افغانستان را افزایش می‌دهد. چین هم به‌عنوان مسیر بعدی، جاده‌های کوهستانی به صورت نوار باریک دارد که کار را برای ترانزیت سخت می‌کند. بنابراین افغانستان به‌عنوان متحد ایالات متحده در این موزایک جغرافیای سیاسی، تنها راه دسترسی به آب‌های آزاد را از طریق ایران و در بندر چابهار به دست خواهد آورد. به همین دلیل هم کابل روی این مسئله متمرکز شده است.

او ادامه می‌دهد: در یازل اقتصاد هندوستان نیز، ایران افغانستان در اختیار هند قرار می‌دهد. بنابراین برای هند هم بسیار مهم است که دسترسی به چابهار را برای خود محفوظ نگاه دارد.

کدهای ژئوپلیتیکی ایران و آمریکاهم‌خوانی ندارد

استادیار جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دانشگاه شهید بهشتی در پاسخ به این پرسش که چرا آمریکا، معافیت‌های نفتی ایران را تمدید نمی‌کند، اما معافیت

چابهار را کماکان ادامه می‌دهد، می‌گوید: ایران یک یازل جغرافیای سیاسی است که کلا با کدهای ژئوپلیتیکی ایالات متحده آمریکا و به‌طورکلی منطقه ژئواستراتژیک آتلانتیک، هم‌خوانی ندارد. این عدم هم‌خوانی فشار مضاعفی را به ایران وارد می‌کند که تغییراتی را (به‌زعم آنها تغییر رفتار) داشته باشد و طبیعتا ایران مقاومت می‌کند. بر همین اساس نیز آمریکا تلاش دارد فشار مضاعفی به واسطه تحریم‌های نفتی بر ایران تحمیل کند و به همین خاطر نیز با معافیت نفتی ایران مخالفت می‌کند. او در رابطه با نفاوت ایران با افغانستان در نگاه آمریکا، می‌افزاید: افغانستان اما چنین نیست. رژیم جدیدی که ایالات متحده پس از حمله به طالبان در این کشور ایجاد کرد، افغانستان را زیر چتر حمایتی قانون اساسی ایالات متحده و در منطقه ژئواستراتژیک قرار داد. همین موضوع، خودبه‌خود افغانستان را به سمتی خواهد برد که متحد آمریکا در منطقه باشد. بنابراین آمریکا در مورد افغانستان هیچ‌گونه محدودیتی در نظر نمی‌گیرد و انواع معافیت‌ها را برای این کشور در نظر می‌گیرد.

سود چابهار برای چیست؟

قورچی سود همراهی با خواسته‌های افغانستان در منطقه را بسیار بالا می‌داند و می‌گوید: آنچه در افغانستان برای ایالات متحده مهم است، این است که این کشور کمترتوسعه‌یافته است و به همین دلیل هم، در این کشور، افکار رادیکالی و بنیادگرایانه به راحتی شکل می‌گیرد. یامنان باشد که از همین کشور، برنامه‌ریزی برای حمله به ایالات متحده شکل گرفت. آمریکا با یازلی که افغانستان با این کشور در حال مبارزه بود، مقابله کرد و آن سیستم را کنار زده و سیستم جدیدی را حمایت کرده است که روی کار بیاید. این سیستم جدید هم قانون پایه و اساس‌اش متناسب با آزاد‌های غربی و لیبرالیسم نوشته شده است. بنابراین برای ایالات متحده بسیار مهم است که این کشور، ثبات پیدا کرده و بتواند در راه توسعه‌گام بردارد تا کمی افکار رادیکالی به مرور زمان جای خود را به افکار نوین جهانی بدهد. این کارشناس در ادامه به سود بلندمدت افغانستان برای آمریکا نیز اشاره کرده و می‌افزاید: از سویی اگر آمریکا بتواند موقعیت خود را در افغانستان ثبات بخشد، به‌واسطه حضور در این کشور، کمک می‌تواند از طرق افغانستان، آسیای مرکزی و چین را متوقف کرده و فضا را تنظیم کند. بنابراین برای آمریکا مهم است که امتیازات ویژه‌ای برای افغانستان قائل شود تا بر اثر این امتیازات ویژه، ثبات در این کشور ایجاد شود؛ هرچند این امتیاز ویژه درون ایران باشد.

محمدهادی رضوی در جلسه رسیدگی به اتهاماتش در پرونده بانک سرمایه:

سفرهای خارجی با ۱۰۷ میلیارد تومان اموال فرهنگیان

دست آقایان مانده است و بعد از ارائه‌دادن این مبلغ، ۲۲ میلیارد تومان پول نقد به بانک سرمایه پرداخت کرده‌ام. متهم رضوی گفت: ۸۰ میلیارد که داده‌ایم، ۲۲ میلیارد گرفته‌ایم و مابقی به صورت ملک بوده است. نماینده دادستان گفته‌اند در تسهیلات ماده ۱۸۶ ندارد؛ درحالی‌که در نامه دارایی به‌صراحت و در نامه بانک به دارایی این موضوع بیان شده است. متهم رضوی گفت: بر اساس ارائه ماده ۱۸۶ از سوی دارایی، بنده مجاز به دریافت تسهیلات بوده‌ام و دارایی این موضوع را به‌صراحت به بانک اعلام کرده است.وی ادامه داد: بنده یک سال و نیم است که به بانک می‌گویم شما قرارداد سفیدامضا از من گرفته‌اید؛ درحالی‌که برای امور جاری تسهیلات گرفته‌ام، کارم تولید، بازرگانی و ساخت سالن‌ها و مراکز رسانه‌ای و کنفرانسی است؛ اما در قرارداد سفیدامضای من، موضوع دوربین مداربسته نوشته شده.متهم گفت: باین‌حال معاونت حقوقی بانک سرمایه در رابطه با قراردادهای جعلی‌ای که به پرونده وارد شده است، اعلام می‌کند قراهای منع تعقیب را قبول دارد و نسبت به این اقرار، اعتراضی ندارد.

من ۸۰ میلیاردبدهی دارم و بدهکار کلان بانک نیستم

متهم رضوی خطاب به ریاست دادگاه گفت: آقای مسعودی‌مقام، بانک سرمایه ۳۱ بدهکار کلان دارد که بدهی‌هایشان ۳۰۰ میلیارد، ۴۰۰ میلیارد و هزار میلیارد است؛ بدهی من کجای این ارقام قرار دارد؟! فهرست اسامی این ۳۱ بدهکار از سوی هیئت تحقیق‌وتفحص مجلس اعلام شده است که اصلا اسم من در آنجا نیست. مگر بدهی من چقدر بوده است؟ حدود ۸۰ میلیارد تومان.وی خطاب به نماینده دادستان گفت: آقای قهرمانی شما می‌گویید بنده با مدیران بانکی تبانی کرده‌ام؛ اگر من تبانی کرده بودم، می‌توانستم تسهیلات بسیار بیشتری بگیرم و گران‌نمایی‌های بالاتری هم داشته باشم.

بانک سرمایه دریافت و بابت طلب خود به شهرداری ارائه کرده است.

سفرهای خارجی آقای رضوی

او افزود: متهم، سیدمحمدهادی رضوی، از مجرای پرداخت رشوه به مدیران بانک سرمایه بدون تودیع وثیقه، حدود ۱۰۷ میلیارد تومان را در سال ۹۱ تا ۹۴ از شبکه بانکی خارج و صرف سفرهای خارجی، خودروهای لوکس و ملک کرده است.قهرمانی در ادامه به تشریح مشخصات و عناوین اتهامی متهمان پرداخت و گفت: سیدمحمدهادی رضوی، متهم به مشارکت در اخلاล عمده در نظام اقتصادی کشور از طریق تحصیل مال از طریق نامشروع به مبلغ ۱۰۷(میلیاردو ۵۰۰ میلیون تومان بوده و آزاد با قرار وثیقه است و اتهامات دیگری دارد که در دادگاه صالح رسیدگی خواهند شد.قاضی مسعودی‌مقام از سیدمحمدهادی رضوی خواست در جایگاه حاضر شود و ضمن تعهیم اتهام گفت: آیا شما موارد ذکرشده را قبول دارید؟ متهم گفت: خیر. قاضی گفت: دفاعاتی خود را مطرح کنید. وی افزود: نماینده دادستان و بازپرس گفتند نامه‌ای از دادسرا به بانک مرکزی صادر شده است. من خواستم از بانک مرکزی استعلام بگیرند؛ چراکه آنها به من گفتند در پرونده می‌گذاریم. بنده نامه‌ای به معاونت بانک مرکزی ارسال کردم که بر حسب نامه این عزیزان و جوابیه بانک مرکزی درباره بند (ح) ماده یک اظهار نظر می‌کند.

دادامد تانیاهاو که نیستم

متهم افزود: ظاهرا خیلی دوست دارند بگویند محمدهادی رضوی دادامد شرعیتمداری است؛ من که دادامد تانیاهاو نیستم. از دادگاه می‌خواهم بگویند من فارغ از دادامد فلانی بررسی‌شود.او ادامه داد: من کیفرخواست گفته شده است سقف اعتباری خود را رعایت نکرده‌ایم. اصل بدهی من ۸۰ میلیارد تومان است و امیدوارم مبارزه با نزل‌خورای در این پرونده و از این به بعد شروع شود. از ۸۰ میلیارد تومان، ۱۰ درصد

برگزاری سومین جلسه محاکمه متهمان پرونده شرکت پدیده

ماجرای زمین ۲ هزارمتری که ۲۲ هزار متر جا زده شد

ذکر کرد.قاضی منصوری در خلال اظهارات متهم مجید کریمیان‌اقبال گفت: درخصوص اتهامات وارده به شما به‌عنوان مدیر حقوقی شرکت پدیده مستندات متعددی وجود دارد که برای تئویر افکار، از نماینده دادستان، عمومی و انقلاب مشهد می‌خواهیم که مجددا به آنها اشاره کند.در این بخش نماینده دادستان گفت: نام‌برده با وجود تسلط به مانی حقوقی مباردت به اقدامات خلاف قانون می‌کند و در مکاتبات خود حتی تصدیق می‌کند که اعمال شرکت ممکن است مجرمانه نیز تلقی شود؛ اما پس از آن اقدام به خریدوفروش سهام شرکت و منافعنی نیز کسب می‌کند. همچنین متهم با تسلط به مسائل حقوقی راهکارهای دورزدن قانون را به مسئولان شرکت از جمله برای فرار مالیاتی ارائه می‌کند.حسابرس ویژه در تکمیل مطالب خود گفت: متهم مجید کریمیان‌اقبال با مکاتبات خلاف‌واقع و ارائه اطلاعات دراست، قصد منحرف‌کردن روند تحقیقات قانونی را داشته است.

گذر

پاسخ مدیرعامل خیریه

امیرالمؤمنین به حواشی

● مدیرعامل خیریه مکتب امیرالمؤمنین به حواشی درباره دریافت ارز از سوی این مؤسسه خیریه پاسخ داد. «میرسعید موسوی اردبیلی» در گفت‌وگو با ایرنا، گفت: اقدام بانک مرکزی در شفاف‌سازی استفاده‌کنندگان از منابع ارزی دولتی و عمومی قابل تقدیر است که کمک زیادی به شفافیت اقتصادی می‌کند. او افزود: اما اعتراض ما این است که در انتشار این فهرست اشتباهی رخ داده و نام مؤسسه خیریه مکتب امیرالمؤمنین به عنوان دریافت‌کننده ارز در سال گذشته درج شده، این درحالی است که در بیش از ۱۰ سال گذشته هیچ ارزی از بانک مرکزی دریافت نکرده‌ایم و حتی کارت بازرگانی هم نداریم. مدیرعامل خیریه مکتب امیرالمؤمنین مدعی شد: بانک مرکزی دیروز با انتشار اطلاعیه‌ای این اشتباه را پذیرفته و موضوع را به سال‌های ۸۵ و ۸۶ (یعنی حدود ۱۲ سال پیش) مرتبط دانسته است. این مؤسسه حدود ۵۰ سال پیش به عنوان مؤسسه‌ای علمی، تحقیقاتی و دینی تأسیس شده که دانشگاه، مدارس و مراکز آموزشی و فرهنگی متعددی در زیرمجموعه آن فعالیت دارند. از طریق این مؤسسه به افراد بی‌ بضاعت، خانواده‌های مستحق در آستانه ازدواج، طلاب، دانشجویان و دانش‌آموزان بی‌بضاعت اما مستعد کمک می‌شود. مدیرعامل مؤسسه خیریه مکتب امیرالمؤمنین با بیان اینکه این مؤسسه خیریه به‌هیچ‌وجه از بودجه دولتی استفاده نمی‌کند، گفت: ناچار بوده‌ایم برای تأمین هزینه‌های مؤسسه، کار تولیدی انجام دهیم، اما اصولا در بخش واردات فعالیتی نداشته‌ایم.

موسوی‌اردبیلی یادآور شد: در دهه ۷۰ پیشنهاد شد برای خودکفایی کشور در تولید شیشه‌های دارویی، به‌ویژه شیشه‌های پنی‌سیلین که از اقلام استراتژیک کشور هستند، سرمایه‌گذاری کنیم. در سالی که به نام رونق تولید نام‌گذاری شده است، باید تأکید کنیم محصولات تولیدی این کارخانه همه نیاز کشور در زمینه شیشه‌های پنی‌سیلین و بخشی از نیاز کشور در زمینه سایر شیشه‌های دارویی را تأمین و سالانه از خروج میلیون‌ها دلار ارز جلوگیری می‌کند. همچنین این کارخانه برای ۸۰۰ نفر به صورت مستقیم و حدود دو هزار نفر به صورت غیرمستقیم اشتغال‌زایی کرده است. برای تکمیل خط تولید، تجهیز و تعمیرات ناچار بودیم برخی تجهیزات را وارد کنیم، بنابر این در دهه ۸۰ درخواست تخصیص ارز را ارائه کردیم که در آن زمان، ارز، کنرخی و نرخ آن نیز دلار حدود ۹۵۰ تومان بود. این ارز از طریق بانک ملی، به عنوان بانک عامل، تخصیص داده شده و برای بازپرداخت آن نیز مهلتی تعیین شد.

مدیرعامل مؤسسه خیریه مکتب امیرالمؤمنین اضافه کرد: سیاست عمومی همه دولت‌ها پس از پیروزی انقلاب این بوده است تولیدکنندگانی که ارز دریافت کرده‌اند، بخشی از ارز دریافتی را به شکل اقساط بازپرداخت کنند. ما نیز بازپرداخت ارز دریافتی را بر مبنای بخشنامه‌های رسمی بانکی به صورت ارزی و ریالی آغاز کردیم. پس از پرداخت بخشی از اقساط به صورت ارزی و ریالی، در دولت‌های نهم و دهم شوک ارزی بزرگی رخ داد که باعث شد در سیاست‌های ارزی بانک مرکزی تجدیدنظر شده و روند پرداخت اقساط به دستور خود بانک مرکزی متوقف شود. در آن زمان بانک مرکزی تا مدت‌ها سرگرم‌گرم بود به طوری که مشخص نبود که بقیه اقساط به چه صورت باید تسویه شود. در نهایت به ما اعلام کردند اقساط خود را به صورت ریالی از طریق بانک ملی پرداخت کنید که مؤسسه خیریه مکتب امیرالمؤمنین آخرین قسط آن را در سال گذشته تسویه کرد.

موسوی‌اردبیلی با بیان اینکه بازپرداخت اقساط به صورت ریالی و نه ارزی بوده است، گفت: اعلام نام مؤسسه خیریه امیرالمؤمنین در فهرست دریافت‌کنندگان ارز به معنای دریافت ارز از سوی این مؤسسه نبوده، بلکه احتمالا به این دلیل بوده که مقاصا حساب بانک ملی و بانک مرکزی در سال گذشته به صورت ارزی انجام شده است. در واقع اصولا ما اطلاعی نداریم که تسویه حساب بین‌بانکی دقیقا چگونه انجام شده و دلار یا یورو چگونه محاسبه شده است، بلکه به ما صرفا بر اساس بخشنامه‌های بانک مرکزی اعلام شده است که چه مقدار از بدهی خود را به شکل ریالی پرداخت کنید و ما نیز آن را پرداخت کرده‌ایم. این بخشنامه‌ها برای همه تولیدکنندگانی که ارز دریافت کرده‌اند، یکسان بوده و در مورد این مؤسسه هیچ گونه رانت و تخفیف ویژه‌ای صورت نگرفته است.

وی تصریح کرد: این نکته تأییدکننده همان چیزی است که پیش‌تر نیز گفتیم؛ یعنی، اصولا در سال ۹۷ مؤسسه فاقد کارت بازرگانی بود و نمی‌توانست ثبت سفارش کند و از این‌رو هیچ ارزی دریافت نکرده است. به عبارت دیگر، در سال ۹۷ هیچ ارزی، به نرخ دولتی یا به نرخ نیمایی، نه به شکل نقد، نه به شکل حواله، نه به شکل ثبت سفارش یا گشایش اعتبار به این مؤسسه پرداخت نشده است. بلکه ارقام دلاری و یوروبی که در جداول بانک مرکزی در برابر نام مؤسسه آمده است، صرفا اعدادی هستند که در حساب‌های بین‌بانکی عمل شده است. مؤسسه خیریه مکتب امیرالمؤمنین طبق قانون دارای حسابرس، ممیز مالی و ناظر دارایی است که همه فعالیت‌های خود از جمله پرداخت مالیات را طبق قانون انجام می‌دهد.